



## A Content Analysis of Nikāh al-Mut'ah Narratives According to Shia Hadith Sources

Zohrehsadat Mousavi<sup>1</sup>

Fathiyeh Fattahizadeh<sup>2\*</sup>

Mohammad Etratdoost<sup>3</sup>

### Abstract

One of the distinctive issues of Shia is Nikāh al-Mut'ah or temporary marriage. There are one hundred thirty seven narratives in Shia sources in which directly deal with the issue and present it in detail as well as its legal rules and conditions. Mut'ah, its legal allowance, and conditions are a sensitive area of disagreement in Muslim societies. Thus, we seek to explore the issue in Shia narratives through the content analysis method. In this regard, first, we recognize and extract twenty related titles and three hundred forty one subtitles of the issue mentioned in the narratives, and then we classify the data into three topics of Holiyat (allowance), legal conditions, and Hormat (prohibition) and analyze them qualitatively. The findings indicate that the legal allowance of al-Mut'ah is reflected directly or indirectly in narratives with high plenty of 97%. In addition, we interpret the narratives that forbid the Nikāh or fail to understand the rules of Nikāh in a way that avoids any misrepresentation of Islam.

### Keywords

Temporary marriage, Allowance of Nikāh al-Mut'ah, Forbidden of Nikāh al-Mut'ah, Narratives of Nikāh al-Mut'ah.

### Article Type: Research

1. Ph.D Student of Quran and Hadith, Alzahra University. Email: zsadatmusavi@gmail.com.
  2. Responsible Author, Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Alzahra University. Email: f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir.
  3. Assistant Professor in Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Email: etratdoost@sru.ac.ir
- Received on: 05/07/2021 Accepted on: 06/12/2021  
Copyright © 2021, Mousavi, Fattahizadeh & Etratdoost

## تحلیل محتوای روایات متعه در منابع حدیثی شیعه

زهره سادات موسوی<sup>۱</sup>  
فتحیه فتاحی زاده\*<sup>۲</sup>  
محمد عترت دوست<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از مسائل منحصراً به فرد در مذهب شیعه، موضوع متعه یا ازدواج موقت می‌باشد. این در حالی است که در منابع حدیثی شیعه<sup>۴</sup> تعداد ۱۳۷ روایت بدون تکرار<sup>۵</sup> صراحتاً به این موضوع پرداخته و به تفصیل، احکام و ضوابط و حلیت یا حرمت آن را مطرح نموده است. از آن‌جا که اختلاف نظرهای بسیاری در رابطه با شرایط امکان و تحقق این حکم شرعی در میان جامعه مطرح است، لذا این پژوهش در صدد است با استفاده از روش «تحلیل محتوا»، ابتدا به شناسایی و استخراج موضوعات اصلی و فرعی مطرح شده در این روایات پرداخته و سپس مقوله‌های اصلی موضوع متعه را در مذهب تشیع طبقه‌بندی و تحلیل نماید. از بررسی مجموع روایات، ۲۰ موضوع اصلی و ۳۴۱ موضوع فرعی استخراج شد که تحلیل کیفی آن‌ها در سه مقوله کلی «حلیت، احکام و تحریم» بیانگر تأیید حلیت این حکم شرعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم با سنجش فراوانی ۹۷٪ بوده و امکان تأویل روایات تحریم به نهی از اصرار بر متعه و یا عدم اطلاع از احکام متعه به منظور پرهیز از تحریب چهره دین اسلام را می‌توان همراه با شواهد و مؤیداتی تبیین نمود.

### کلیدواژه‌ها

ازدواج موقت، حلیت متعه، تحریم متعه، طرق شیعی، محتوای روایات متعه.

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء. zsadatmusavi@gmail.com
  ۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول). f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir
  ۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. etratdoost@sru.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵
۴. در کتب اربعه ۱۰۰ روایت بدون تکرار پیرامون متعه آمده است. به منظور اطمینان بیشتر در متن و سند، این روایات مشابهت‌یابی شدند. در نتیجه ۳۷ روایت دیگر به این مجموعه اضافه شد که این روایات از ۳۱ منبع حدیثی استخراج شده بودند. بنابراین در مجموع با احتساب کتب اربعه، منابع حدیثی این پژوهش به ۳۵ مورد رسید.
  ۵. روایاتی که در سند یا متن کوچکترین تفاوتی داشتند در شمار روایات بدون تکرار آورده شدند هرچند در برخی موارد از لحاظ محتوا هم‌پوشانی کامل داشتند.



## ۱. طرح مسأله

ازدواج یا پیوند زناشویی، امری است که در ملل و نحل مختلف، با آداب و رسوم گوناگون در طول تاریخ وجود داشته است. امروزه نیز، برقراری ارتباط زن و مرد با هدف تشکیل خانواده و فرزندآوری در ادیان و فرهنگ‌های مختلف، طبق قواعد و اصول خاص آن‌ها صورت می‌گیرد. البته نوعی از این ارتباط نیز وجود دارد که در آن لزوماً، تشکیل خانواده و فرزندآوری، محور نیست، بلکه تمتع و بهره‌وری جنسی، هدف اصلی ارتباط است. در این حالت، ضمن تعیین مدت رابطه، زن در قبال این امر، مزد و اجرتی دریافت می‌کند. هرچند امکان تشکیل خانواده و تولید نسل در این ارتباط، به‌طور کلی منتفی نیست، اما اساساً این رابطه، با چنین انگیزه‌ای آغاز نمی‌شود. از همین‌رو آن را «متععه» می‌نامند.

در تعریف لغوی، متعه به معنای بهره بردن (ازهری، ۱۳۶۸ق، ۱۷۳: ۲؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۷۵۷) و لذت بردن آمده است (جوهری، ۱۳۶۸ق، ۱۲۲: ۳). در اصطلاح، فقها نیز متعه را عقدی دانسته‌اند که دارای زمان مشخصی بوده و در قبال عوض معینی صورت می‌گیرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۹؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ۳: ۵۱۹).

از لحاظ پیشینه‌ی تاریخی، باید گفت شواهد تاریخی در مورد وقوع این نوع ازدواج پیش از ظهور اسلام در عربستان و برخی از نقاط جهان وجود دارد. گفته شده متعه در عربستان، بدون مهریه و مراسم رسمی خواستگاری بوده که با پایان یافتن زمان مقرر، زوجین از هم فاصله گرفته و جدا می‌شدند (جوادعلی، ۱۳۸۰ق، ۵: ۵۳۶؛ افضل‌آبادی، ۱۳۹۰ش، ۱۷). پس از ظهور اسلام نیز، شواهد تاریخی و روایی از بقای این نوع ازدواج در عربستان و میان مسلمانان حکایت دارد. در منابع تاریخی آمده است که در غزوات اوایل هجرت، پیامبر اکرم (ص)، پس از شکایت رزمندگان از دوری همسران، جواز متعه را صادر فرمودند و پس از آن رزمندگان اجازه یافتند در ازای جامه‌ای، زنی را به مدت سه روز به متعه خویش درآورند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۷: ۴؛ نیشابوری، ۱۳۷۹ق، ۹: ۲۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۶). در منابع دیگر آمده است که این اجازه در حج عمره، صادر شده است (فخررازی، ۱۳۷۹ق، ۳: ۲۸۶).

به‌طور کلی در منابع حدیثی همانند صحاح سته اهل سنت از ابن عباس و برخی دیگر از اصحاب گزارش‌هایی مبنی بر انجام متعه در عهد رسول اکرم (ص) نقل شده است (ر. ک: مسلم، ۱۴۰۱ق، ۳: ۱۶۹؛ ۴: ۱۳۱؛ نسایی، ۱۴۱۰ق، ۶: ۴۳۶). البته در برخی منابع آمده است که آن حضرت پس از صدور جواز سه روزه متعه

در جنگ، آن را تحریم نمودند (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ۱: ۶۳۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۲۹ق، ۷: ۵۰۷؛ قرطبی، ۱۴۲۳ق، ۵: ۱۳۰). اما در کتب شیعه یا خبری از تحریم و نهی متعه از سوی پیامبر اکرم (ص) نبوده و یا این گونه روایات حمل بر تقیه شده<sup>۱</sup> و با ادله دیگری کنار گذاشته شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۱۸۶؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۲۱۴). از جمله مهم‌ترین دلایل ابطال این روایات، فقدان گزارش دقیق از زمان صدور این احادیث است. برخی زمان صدور آن را جنگ اوطاس و تبوک (مسلم، ۱۴۰۱ق، ۱۳۱: ۴)، جنگ خیبر (بخاری، ۱۴۱۰ق، ۵: ۷۸)، جنگ حنین (نسائی، ۱۳۹۹ش، ۱۱: ۹۳)، فتح مکه (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴ق، ۱۰: ۱۶۶)، حجة الوداع (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ۱: ۶۳۱) و برخی دیگر زمان صدور آن را عمرة القضاء (ابن شیبه، ۱۴۲۹ق، ۷: ۵۰۷) گفته‌اند.

مذهب جعفری، با استناد به روایاتی که عمدتاً از امام صادق (ع) ذیل آیه ۲۴ سوره نساء نقل شده، قائل به مشروعیت متعه است. علاوه بر روایات تفسیری مذکور، روایات بحث متعه در قالب رساله‌هایی از اصحاب ائمه (ع) گردآوری شده است مانند: رسائل یونس بن عبدالرحمن (م. ۲۰۸ق)، ابن ابی عمیر (م. ۲۱۷ق)، علی بن حسن فضال (م. ۲۲۴ق) و فضل بن شاذان (م. ۲۶۰ق). اگرچه این رسائل به دست ما نرسیده، ولیکن صاحبان کتب اربعه حدیثی شیعه آن‌ها را در تألیفات خود آورده‌اند. شیخ کلینی (م. ۳۲۹ق) در «کافی» ۸۳ روایت، شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) در «من لایحضره الفقیه» ۳۴ روایت و شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) در دو کتاب «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» به ترتیب ۸۹ و ۵۵ روایت در باب متعه نقل کرده‌اند. البته شیخ صدوق در کتاب «الخصال» خود نیز روایات متعه را نقل کرده است. پس از ایشان، شیخ مفید (۴۱۳ق) کتاب مستقلی با عنوان «الموجز فی المتعه» دارد که اکنون تلخیص آن با عنوان «خلاصة الایجاز» در دسترس است و غالب روایات آن از کتب اربعه نقل شده است.

در پژوهش حاضر تلاش شده تا با مراجعه به منابع حدیثی شیعه، مجموعه کاملی از روایات با موضوع متعه و مسائل پیرامونی آن‌ها جمع‌آوری و تحلیل شود. تلاش پژوهشگران برای جمع‌آوری و استخراج این روایات نشان داد که با احتساب روایات مکرر، تعداد ۲۵۹ روایت و بدون احتساب مکررات، حدود ۱۳۷ روایت در

۱. تنها یک روایت ناظر بر تحریم متعه در تهذیبین آمده است که حمل بر تقیه شده است. این روایت در ادامه در مقوله تحریم خواهد آمد.

منابع حدیثی شیعه به موضوع متعه و احکام فقهی و اخلاقی آن اشاره دارد. در این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تلاش شده تا ضمن سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی این روایات، مقوله‌های مهم مطرح شده در آن‌ها نیز استخراج شده و به صورت کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

آنچه ضرورت انجام چنین پژوهشی را تبیین می‌کند، گونه‌شناسی روایات متعه در طرق شیعی و تحلیل محتوای آن‌هاست. چرا که از این رهگذر می‌توان مسئله اصل حلیت متعه را از حیطة جواز آن تفکیک کرد. از طرفی اختلاف و تعارض در برخی مضامین این روایات، اهمیت و ضرورت تحلیل آن‌ها را دوچندان می‌کند. بر این اساس، مؤلفان قصد دارند تا در این پژوهش به تحلیل محتوای مجموعه این روایات پرداخته و در نهایت، بدون پیش‌فرض و به دور از پیش‌داوری، به تحلیلی صحیح نسبت به متون روایی دست یابند.

پژوهش حاضر پیشینه نسبتاً قوی دارد. آثار متعددی در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله نگاشته شده است که محوریت آن‌ها اثبات حلیت متعه با تمرکز بر روایات شیعه در این خصوص می‌باشد و با ذکر روایات اهل سنت و رد صحت آن‌ها به لحاظ متنی یا سندی در جهت تقویت موضع مذهب تشیع نسبت به متعه در برابر سایر فرق اسلامی هستند. در این میان، نمونه‌ای یافت نشد که در آن روایات متعه به طور خاص در طرق شیعی جمع‌آوری شده و با روش تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار گرفته شده باشند. در این آثار تنها برخی روایات مشهور متعه در مصادر شیعه ذکر شده است، بدون آن‌که مضامین مختلف در روایات گوناگون جمع‌بندی و تحلیل شود و یا اسناد آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. هم‌چنین استفاده از منابع کهن و معتبر روایی که از نکات مهم و اساسی در پژوهش‌های روایی است، در آثار مذکور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت بررسی تمامی روایات متعه در کتب اربعه و مشابته‌یابی آن‌ها در سایر مجامع حدیثی برای دستیابی به اقبال بیشتر از وجوه تمایز این تحقیق به‌شمار می‌رود که این امر در آثاری که تاکنون نگاشته شده، مورد توجه نبوده است.

## ۲. اعتبارسنجی روایات

از مجموع ۱۳۷ روایت متعه که در این تحقیق مورد بررسی محتوایی قرار گرفتند، با توجه به محدودیت حجم مقاله، متن ۲۲ روایت به طور پراکنده در موضوعات

مختلف بیان شده است. از آن جا که هدف این تحقیق، تحلیل محتوای روایات بوده و در این روش اعتبارسنجی سندی روایات مدنظر نیست، لذا تمامی روایات این حوزه، اعتبارسنجی سندی نشده‌اند. اما در مورد اسناد روایاتی که متن آن‌ها در مقاله حاضر آمده است باید گفت از مجموع ۲۲ روایت، ۱ روایت موثق، ۱۰ روایت صحیح السند و ۱۱ روایت دارای سند ضعیف هستند که یک مورد از این روایات ضعیف، مرفوع است.<sup>۱</sup> در یک نگاه اجمالی این وضعیت در مورد تمامی اسناد روایات متعه صادق است و ترکیبی از اسناد صحیح و ضعیف در مجموعه اسناد این روایات وجود دارد. بدیهی است در مکتب تشیع، بررسی روایات متعه با پیش فرض حلیت آن صورت می‌گیرد که روایات صحیح‌السند مؤید آن است. تعیین حدود و ثغور آن نیز بر عهده روایاتی است که هرچند از لحاظ صحت و ضعف سند یکسان نیستند اما در نهایت احکام متعه از آن‌ها استخراج می‌شود. اما آنچه می‌تواند تبیین‌کننده جایگاه متعه در عمل باشد روایات ناظر بر تحریم و نهی و در مقابل آن روایات دال بر بیان ثواب متعه و ترغیب به آن می‌باشد. به رغم آنچه در مورد اسناد روایات ناظر بر حلیت و احکام متعه بیان شد در مورد این دسته روایات وضعیت به گونه‌ای دیگر است، چرا که تعداد این روایات بسیار محدود بوده و از طرفی برخی فقط در یکی از کتب اربعه<sup>۲</sup> و با یک طریق ذکر شده‌اند.

در مورد اعتبار روایات ناظر بر دو دسته فوق یعنی نهی و تحریم و در مقابل ثواب و ترغیب، باید گفت روایت ناظر به تحریم، هم‌چنین هر دو روایت ناظر به ثواب نیز دارای ضعف سندی هستند. به علاوه از سه روایت ترغیب‌کننده به متعه، یک مورد دارای سندی صحیح و دو مورد دیگر ضعیف‌السند هستند. از پنج مورد روایت ناظر بر نهی از متعه، دو روایت مرد متأهل را از متعه نهی می‌کند و در سه روایت امام (ع) موالی یا اصحاب خود را از متعه یا اصرار بر آن نهی می‌کند. از دو روایت نهی مرد متأهل، روایت مذکور در این تحقیق، صحیح‌السند و روایت دیگر دارای ضعف سندی است. اما وضعیت سه روایت نهی موالی یا اصحاب امام (ع)، یک مورد موثق، یک مورد صحیح و یک مورد ضعیف‌السند است.

۱. گزارش اعتبار سند هر یک در پاورقی و پس از ترجمه روایات ذکر شده است. این گزارشات برگرفته از نرم‌افزار داریه‌النور می‌باشد.

۲. پنج روایت نهی فقط در کتاب کافی و یک روایت تحریم در کتاب تهذیبین آمده است. دو روایت ثواب فقط در الفقیه و از سه روایت ترغیب دو مورد فقط در الفقیه و یک مورد علاوه بر آن، در سه کتاب دیگر نیز آمده است.

در نهایت شاید بتوان گفت این که شیخ کلینی فقط روایات نهی از متعه را ذکر کرده و از بیان روایات ثواب و ترغیب و تحریم خودداری کرده است، به دلیل ضعف سندی آن‌ها بوده است. بنابراین به رغم این که روایات ثواب و ترغیب به کرات در کتب و مقالات و پایان‌نامه‌ها با موضوع متعه مورد استناد قرار می‌گیرند، این روایات دارای سند صحیح نیستند و روایت نهی مرد متاهل از متعه که دارای سندی صحیح می‌باشد، کمتر مورد استناد قرار گرفته است.

### ۳. روش تحقیق

در حوزه ارزیابی متنی، سنجش متون روایی با روش کارآمد و نوین تحلیل محتوا می‌تواند نتایج قابل قبول و بی‌طرفانه‌ای ارائه دهد. در تعریف علمی روش «تحلیل محتوا» باید گفت، فنی است که به کمک آن می‌توان ویژگی‌های خاص پیام را به‌طور نظام‌یافته و عینی شناسایی کرد (ر.ک: باردن، ۱۳۷۵ش، ۱۴).

در این روش، پس از تقطیع جملات و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آن‌ها، به طبقه‌بندی مضامین، پرداخته و در نهایت شاخه‌های کلی با عنوان «مقوله» معرفی خواهد شد.

در پژوهش حاضر، مجموعه روایات با موضوع متعه که تعداد آن‌ها بدون تکرار ۱۳۷ روایت از مجموع ۳۵ کتاب حدیثی<sup>۱</sup> می‌باشد با روش تحلیل محتوا، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. در جدول تحلیل محتوا، این روایات از چند منظر مورد بررسی قرار گرفته‌اند: الف- تعیین دقیق امام ناقل حدیث، ب- تعیین دقیق سلسله سند اصلی حدیث، ج- تفکیک متن اصلی از متون حدیثی مشابه، د- تعیین موضوع اصلی حدیث، ح- تعیین موضوعات فرعی مطرح در حدیث. از آن‌جا که حجم جدول تحلیل محتوای روایات بسیار زیاد است، به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها بخشی از آن به‌عنوان نمونه، جهت آشنایی با روش درج شده است:

۱. اسامی این کتب عبارت است از: کافی، من لایحضر الفقیه، تهذیب، استبصار، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، وسائل الشیعه، معانی الاخبار، وافی، المقنع، علل الشرایع، قاموس القرآن، قرب الاسناد، تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، مراه العقول، بحارالانوار، نوادرشعری، تفسیر نورالثقلین، هدایه الامه، جامع الاحادیث الشیعه، البرهان فی تفسیر القرآن، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، مستدرک الوسائل، نوادر احمدبن محمدبن عیسی، خلاصه الایجاز، کشف الغمه، الفصول المهمه فی اصول الانمه، روضه المتقین، جواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، رساله متعه، مختصر بصائر الدرجات، عوالی العزیزیه فی الاحادیث، اصول الستة عشر، دعائم الاسلام، السرائر.

ردیف	امام ناقل	سلسله سند اصلی	متن عربی	ترجمه	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کدگذاری
۱	امام باقر (ع)	عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَبِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ:	سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ - فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ	از اباجعفر (ع) در مورد متعه پرسیدم، گفت: در قرآن نازل شده است: از هر کدام زنان بهره مند شدید، مهریه او را به عنوان واجب مالی بپردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه با یکدیگر توافق کردید بر شما گناهی نیست.	حلیت	اشاره به حلیت متعه در قرآن کریم وجوب پرداخت اجر زن بعد از بهره‌مندی	M1 M2
				از ابوالحسن موسی (ع) در مورد متعه پرسیدم، فرمود: تو را چه به ازدواج موقت؟ خداوند که تو را از همسر موقت بی نیاز کرده است. گفتم: می‌خواستم فقط حکم آن را بدانم. فرمود: ازدواج موقت در کتاب حضرت علی علیه السلام موجود است. گفتم: روا است که من بر اجرت، بیفزایم و او بر مدّت بیفزاید؟ فرمود: آری جز این، چیزی ازدواج موقت را نیکو می‌سازد.		بلااشکال بودن توافقات بعد از پرداخت اجر	M3
				از ابوالحسن موسی (ع) در مورد متعه پرسیدم، فرمود: تو را چه به ازدواج موقت؟ خداوند که تو را از همسر موقت بی نیاز کرده است. گفتم: می‌خواستم فقط حکم آن را بدانم. فرمود: ازدواج موقت در کتاب حضرت علی علیه السلام موجود است. گفتم: روا است که من بر اجرت، بیفزایم و او بر مدّت بیفزاید؟ فرمود: آری جز این، چیزی ازدواج موقت را نیکو می‌سازد.		نهی مرد متاهل از متعه	M34
				سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ وَ مَا أَنتَ وَ ذَلِكَ فَقَدْ أُنْتُ وَ ذَلِكَ فَقَدْ أُنْتُ أَنْكَ اللَّهُ عَنْهَا قُلْتُ إِنَّمَا أُرِدْتُ أَنْ أَعْلَمَهَا فَقَالَ هِيَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ (ع) فَقُلْتُ تَرِيدُهَا وَ تَرِيدُهَا فَقَالَ وَ هَلْ يَطِيبُهَا إِلَّا ذَلِكَ		حلیت متعه در مصحف امام علی (ع)	M35
	امام کاظم (ع)	- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ		بلااشکال بودن افزایش زمان بعد از اتمام زمان تعیین شده	حلیت		M36
				بلااشکال بودن افزایش اجر بعد از اتمام زمان تعیین شده			M37



M86	شرط متعه تعیین زمان مشخص است	شروط	متعه نمی‌باشد مگر به دو امر: زمان معین و اجر معین	: لا تكون متعة إلا بأمرین أجل مسمى وأجر مسمى	- عدة من أصحابنا عن سهل بن زیاد و محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد جمیعاً عن ابن محبوب عن جمیل بن صالح عن زرارۃ عن أبی عبد الله (ع)	امام صادق (ع)	۳
M87	شرط متعه تعیین اجر معین است						

در ادامه ابتدا نتایج حاصل از سنجش فراوانی این مجموعه حدیثی به عنوان تحلیل محتوای کمی و سپس نتایج حاصل از بررسی‌های کیفی این مجموعه با عنوان تحلیل محتوای کیفی ارائه می‌شود.

#### ۴. تحلیل محتوای کمی روایات متعه

پس از آن‌که تمامی روایات جمع‌آوری شده مطابق جدول فوق دسته‌بندی شدند، این امکان حاصل شد که بتوان به تحلیل کمی روایات پرداخت. منظور از تحلیل کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالب‌ها، مضامین و موضوعات مطرح‌شده در متن است که به محقق کمک می‌کند تا با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته در جملات بیشتر آشنا شود. تحلیل‌های کمی، راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل کیفی پرداخته است (کرپیندورف، ۱۳۷۸ ش، ۶۵). در ادامه به چند مورد از تحلیل‌های کمی پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. سنجش فراوانی ائمه (ع) ناقل روایات

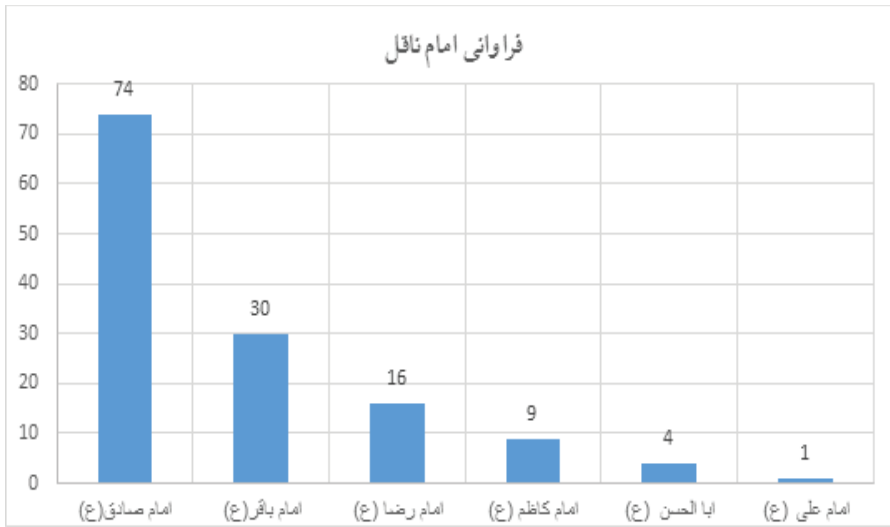
نتایج حاصل از تحلیل محتوای روایات متعه در جدول اصلی نشان می‌دهد که از مجموع ۱۳۷ روایت منقول در ۳۵ منبع روایی شیعه، بخش عمده آن‌ها به میزان ۵۵٪ (۷۲ روایت) از امام صادق (ع) و در رتبه دوم ۲۰٪ دیگر (۳۰ روایت) از امام باقر (ع) نقل شده است. رتبه‌های بعدی در نقل روایات متعه به ترتیب متعلق به امام رضا (ع) با ۹٪ (۱۶ روایت)، امام کاظم (ع) با ۳٪ (۹ روایت)، امام علی (ع) با ۱٪ (۱ روایت) و ۱٪ فراوانی است. اما در ۴ روایتی که از ابوالحسن (ع) نقل شده است، باید گفت از آن‌جا که ابوالحسن کنیه امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) است و در این ۴

روایت بدون قرینه ذکر شده است، تمییز ناقل اصلی در این روایات ممکن نبود، به ویژه این که اولین راوی در آن‌ها طبق معجم رجال‌الحدیث از هر دو امام بزرگوار نقل روایت کرده است. در نهایت این عدد تفاوت اندکی در آمار روایات این دو امام ایجاد خواهد کرد.

توجه به این مطلب که بالاترین درصد نقل روایت در بحث متعه و احکام آن از امام صادق (ع) است، بیانگر نکات بسیار مهمی است که توجه به آن‌ها تأثیر بسزایی در فهم مجموعه کلی این احادیث دارد. امام صادق (ع) به دلیل بهره‌مندی از فضای باز سیاسی - اجتماعی در حد فاصل تغییر حکومت بنی‌امیه به بنی‌عباس توانستند احکام بسیاری از مسائل شرعی را به تفصیل بیان کرده و یک نهضت عظیم در شاگردپروری و ترویج معارف مذهب شیعه ایجاد کنند که از همین رو مذهب شیعه را مذهب جعفری گفته‌اند. البته زوال حکومت بنی‌امیه و این فضای باز تقریباً از زمان پدر بزرگوارشان، امام باقر (ع) شروع شده و به همین دلیل آمار روایات رسیده از ایشان نیز پس از امام صادق (ع) از سایر ائمه (ع) بیشتر است، اما در هر حال نمی‌توان نقش برجسته امام صادق (ع) در تبیین احکام این مسئله شرعی خاص را نادیده گرفت. همچنین به نظر می‌رسد این که از ائمه قبل و بعد از صادقین (ع) روایات اندکی در این خصوص نقل شده، به دلیل شرایط نامناسب سیاسی و خفقان اجتماعی بوده باشد به گونه‌ای که اهل بیت (ع) بیان احکام دیگر را در اولویت قرار داده و کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. از آن جا که متعه از احکام اختلافی فریقین محسوب می‌شود، شرایط تقیه در عصر قبل و بعد از صادقین (ع) در مسکوت ماندن این حکم بی‌تأثیر نبوده است.

آنچه می‌تواند به عنوان مؤید این مطلب در نظر گرفته شود، توجه به فضای گفتمانی روایات است که حدود ۶۶٪ روایات، پاسخ به سؤال شیعیان بوده است و این امر می‌تواند شاهدهی بر رواج متعه در صدر اسلام و مبادرت به آن از سوی کسانی باشد که برای آگاهی از احکام و ضوابط آن، نزد امام معصوم (ع) رفته و کسب تکلیف می‌کردند. بهتر است به این مطلب اشاره شود که رویارویی آراء فقهی فریقین، توجه همگان را به مسائل مورد اختلاف جلب نموده، لذا اصحاب به پرسش‌گری در باب متعه روی آوردند.

در ادامه وضعیت فراوانی امام ناقل در روایات متعه مورد سنجش قرار گرفته و در قالب نمودار به نمایش درآمده است:



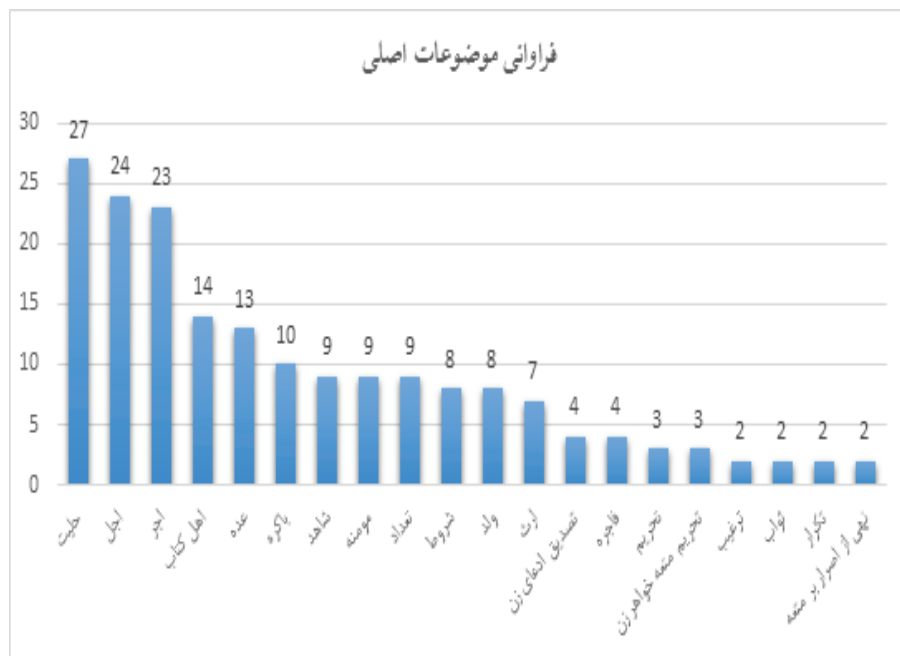
#### ۲-۴. سنجش فراوانی موضوعات اصلی روایات متعه

نتایج حاصل از تحلیل محتوای تعداد ۱۳۷ روایت در پژوهش حاضر، بیانگر استخراج تعداد ۲۰ موضوع اصلی و ۳۴۱ موضوع فرعی است. به عبارت دیگر باید گفت که مجموعه روایات باب متعه را می‌توان در قالب ۲۰ موضوع اصلی که حاوی ۳۴۱ نکته مهم و قابل ذکر است، تبیین نمود. در بین موضوعات اصلی، بالاترین آمار مربوط به موضوع «حلیت متعه» است<sup>۱</sup> که اکثراً نیز به صورت پرسش از صادقین (ع) بوده است که نکته بسیار قابل تأملی است. این دو گزاره در کنار همدیگر می‌تواند مؤید این احتمال باشد که با توجه به نظر مخالف اهل سنت و شیوع دیدگاه آن‌ها، شیعیان می‌خواستند در پرتو این سؤالات و با عنایت به پاسخ‌های صادقین (ع) از قرآن و سیره نبوی به اطمینان خاطر دست یابند.

مؤید دیگر این مطلب، بسامد بالای پرسش از دو رکن اصلی متعه یعنی أجل (زمان) و أجر (مهریه) است که هر کدام پس از موضوع حلیت با فراوانی مشابه ۱۳٪ بالاترین آمار را داشته است. البته روایات محدود ناهمی متعه از این قاعده مستثنی هستند که در انتهای مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

۱. لازم به ذکر است که موضوع حلیت در بین ۲۰ موضوع اصلی روایات متعه، دارای بالاترین فراوانی یعنی ۲۳ روایت که موضوع اصلی آن‌ها تبیین حلیت است، اما در بین سه مقوله اصلی چنان‌که خواهد آمد مقوله احکام، بیشترین روایات را شامل می‌شود چرا که ۱۵ موضوع اصلی در قالب ۱۰۴ روایت ذیل مقوله احکام دسته‌بندی می‌شوند.

موضوع اصلی مهم دیگر در روایات متعه، مسئله نکاح اهل کتاب است که می‌تواند نشانگر تعاملات اجتماعی گسترده مسلمانان و اهل کتاب در عصر ائمه (ع) باشد. همین امر سبب شده است که در خصوص متعه زن یهودی و نصرانی سؤالات متعددی از ائمه (ع) پرسیده شود. علاوه بر این، متعه زن مجوسیه نیز مورد سؤال قرار گرفته است چرا که مجوسیان نیز همانند یهود و نصارا در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند. سنجش فراوانی موضوعات دیگر که نسبت به موضوعات مذکور از بسامد کمتری برخوردار هستند، در نمودار ذیل قابل مشاهده است:



#### ۳-۴. سنجش فراوانی مقوله‌های اصلی روایات متعه

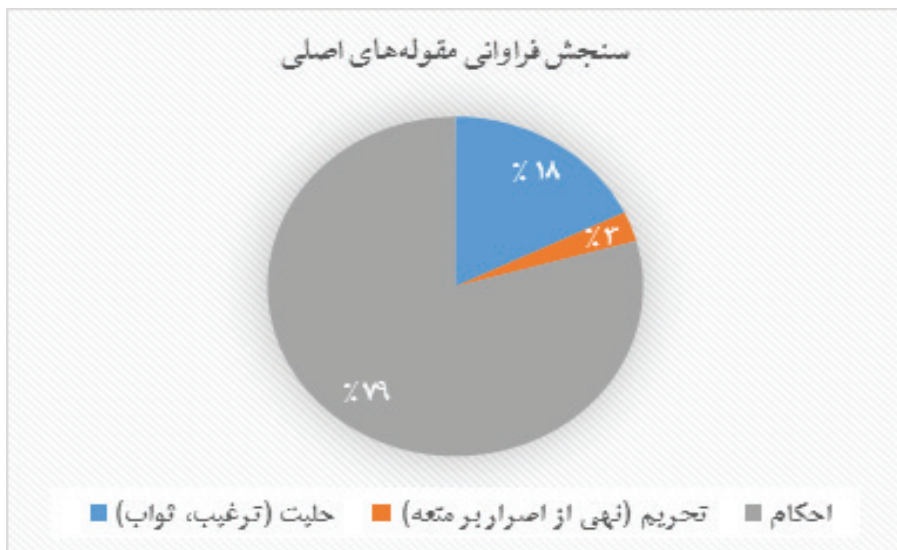
در نهایت تحلیل کیفی مجموع ۲۰ موضوع اصلی مطرح در روایات متعه نشان می‌دهد که این موضوعات را نیز می‌توان در ذیل سه مقوله کلی‌تر، طبقه‌بندی نمود، اگرچه حجم فراوانی آن‌ها متفاوت است و فاصله زیادی با همدیگر دارند، ولیکن چون از جنس محتوایی، متفاوت از یکدیگر بوده، لذا در سه مقوله کلی تفکیک شده‌اند.

الف- مقولہ اول «احکام متعہ» است کہ شامل مجموعہ روایاتی می‌شود کہ در آن‌ها حدود و ثغور و احکام و ضوابط شرعی و حتی اخلاقی متعہ تعیین شده است.

ب- مقولہ دوم «حلّیت متعہ» است کہ شامل مجموعہ روایاتی می‌شود کہ در آن‌ها بہ صورت پرسش مستقیم و یا غیر مستقیم ذیل تفسیر آیه ۲۴ سورہ نساء، بہ اصل حلّیت متعہ اشارہ شدہ است.

ج- مقولہ سوم «حرمت متعہ» است کہ شامل مجموعہ روایاتی می‌شود کہ در آن‌ها بہ صورت مستقیم و یا غیر مستقیم با عنوان نہی از اصرار بر متعہ، از انجام این عمل نہی شدہ است.

لازم بہ ذکر است کہ اگرچہ حجم انبوهی از روایات متعہ بہ حلّیت یا تعیین احکام آن پرداختہ - کہ خود بہ نوعی تأیید حلّیت متعہ بہ صورت غیر مستقیم است و تنہا حجم بسیار اندکی بہ مسئلہ نہی و تحریم متعہ اشارہ دارد، ولیکن از آن‌جا کہ در روش تحلیل محتوا، توجہ بہ ہمہ جزئیات پیام و متن، مہم بودہ و لازم است ہمہ موضوعات، در کنار ہم‌دیگر بررسی شدہ و در نہایت ساختار کلی متون، تبیین شود، لذا کوچکترین موضوعات و کمترین فراوانی‌ها نیز برای تحلیل گر مہم بودہ و نباید از آن‌ها غفلت کند. نمودار سنجش فراوانی سہ مقولہ کلی مجموعہ روایات متعہ در ذیل ترسیم شدہ است:



این مقوله‌ها با توجه به جهت‌گیری‌های متن احادیث استخراج شده و در حقیقت، ماهیت کلی روایات متعه را به تصویر می‌کشد. همچنین راه‌گشای فهم این مجموعه متون حدیثی بوده که در بخش تحلیل کیفی با استفاده از آن‌ها، نقاط تمرکز متن شرح داده خواهد شد. لازم به ذکر است جهت‌گیری‌ها، نشانگر سمت و سوی کلی هر کدام از موضوعات اصلی موجود در متن هستند. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متن، موضوعات اصلی استخراج شده در مرحله دوم در قالب عناوین کلی تر درج می‌شوند که این عمل در حقیقت جهت‌گیری متن را تبیین می‌کند.

### ۵. تحلیل محتوای کیفی روایات متعه

در این مرحله، تمامی یافته‌های تحقیق با توجه به شباهت‌های محتوایی، دسته‌بندی و تنظیم می‌شوند و محقق به تجزیه و تحلیل ذهنی یافته‌های حاصل از تحقیق می‌پردازد. هرچند این نتیجه‌گیری امری انتزاعی است اما متکی بر تجزیه و تحلیل داده‌هاست و بستگی به منطق و قدرت استدلال محقق دارد. انجام فرایند تحلیل محتوای کیفی بدین ترتیب است که در مرحله مضمون‌گیری و طرح جدول تحلیل محتوای مضمونی، مضامین دسته‌بندی و موضوعات پیشنهادی برای ساخت مقولات نهایی مطرح می‌شود (عترت‌دوست، ۱۳۹۰ش، ۲۹۵).

همان‌گونه که بیان شد، مجموعه روایات متعه در این پژوهش در سه مقوله کلی حلیت، احکام و تحریم خلاصه می‌شود.

### ۵-۱. مقوله حلیت متعه

از آن‌جا که مقوله «حلیت» محور اصلی و زیربنای مقوله «احکام» است، به عنوان اولین مقوله، روایات آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این مقوله علاوه بر ۲۳ روایت دال بر حلیت، روایات ناظر بر بیان ثواب متعه (دو روایت) و ترغیب‌کننده به متعه (سه روایت) نیز مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند، چرا که جنس کلام آن‌ها به این مقوله شباهت بیشتری دارد.

از آن‌جا که خداوند متعال در سوره مبارکه نساء به حلیت متعه اشاره کرده است، لذا در احادیث متعددی صراحتاً با استناد به این آیه، مسئله حلیت متعه بیان شده است، مانند روایت ذیل که از امام صادق (ع) در رابطه با حکم متعه سؤال می‌شود و امام پاسخ می‌دهند: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ - فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتْوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ»<sup>۱</sup>  
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۸۸).

در روایتی دیگر امام معصوم (ع) با تعیین شرط زمان در تفسیر آیه شریفه، آن را با متعه مرتبط دانسته‌اند: «أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ - إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى - فَأَتْوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَتَرَوَّجَهَا إِلَى أَجَلٍ [مُسَمًّى] ثُمَّ يَحْدُثُ شَيْئًا بَعْدَ الْأَجَلِ»<sup>۲</sup> (همان، ۵: ۴۵۱).

در برخی روایات نیز علاوه بر طرح ریشه قرآنی متعه، حلّیت آن در سنت را متذکر می‌شوند مانند: «سَأَلْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۳</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۵۹؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۴۷). لازم به ذکر است که حلّیت متعه در کلام اهل بیت (ع) با اقوال مختلف تأیید شده است. به عنوان مثال باقی ماندن حلّیت متعه تا قیامت (M۱۸)<sup>۴</sup>، حلّیت متعه با دعوت به ملاحظه (M۲۰)، اباحه متعه از سوی خداوند (M۴۱)، اشاره به متعه در مصحف حضرت علی (ع) (M۳۵)، مبادرت اصحاب به متعه (M۳۹)، اعتقاد به حلّیت متعه به عنوان ضرورت مذهب (M۲۷۲). در برخی روایات به منظور دفاع از حلّیت متعه و در پاسخ به کسانی که معتقد به نسخ آیه ۲۴ سوره نساء بودند، این‌گونه استدلال شده که سوره نساء، مدنی است، در حالی که سوره معارج که مخالفان آن را ناسخ می‌دانند، در مکه نازل شده است و نمی‌تواند ناسخ باشد (M۳۲۹ - M۳۳۰).

مسئله دفاع از حکم حلّیت متعه بعضاً با نقل روایات ثواب و ترغیب به آن نیز همراه بوده است. به عنوان مثال در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که ایشان ثواب بسیاری برای متعه ذکر کرده‌اند، البته مشروط به این‌که برای کسب رضایت الهی باشد و هم‌چنین در جهت مخالفت با کسانی که از متعه نهی می‌کنند: «قُلْتُ لِلتَّمَتِّعِ ثَوَابٌ

۱. از اباجعفر (ع) در مورد متعه پرسیدم، گفت: در قرآن نازل شده است: از هر کدام زنان بهره‌مند شدید، مهریه او را به عنوان واجب مالی پردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه با یکدیگر توافق کردید بر شما گناهی نیست (صحیح و مسند).

۲. امام باقر (ع) قرائت کرد: پس هرگاه از زنان بهره بردید - تا زمان معین - اجر آن‌ها را به عنوان واجب مالی پردازید و در آنچه بعد از تعیین مهریه توافق کردید، بر شما گناهی نیست. پس فرمود: به این معنی است که مرد با تعیین مدت با زنی ازدواج کند و پس از پایان مدت معین شده، تغییر تازه‌ای به عمل آورد (ضعیف و مرفوع).

۳. از اباعبدالله (ع) در مورد متعه پرسیدم گفت: از سوی خدا و رسولش حلال است (صحیح و مسند).

۴. حرف انگلیسی (M) علامت اختصاری کدگذاری روایات متعه و استخراج موضوعات فرعی در جداول تحلیل محتواست. این کدگذاری به جهت پرهیز از اختلاط اعداد و شماره موضوعات فرعی با همدیگر الزامی است.

قَالَ إِنْ كَانَ يَرِيدُ بِذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَخِلَافاً لِفُلَانٍ لَمْ يَكَلِّمْهَا كَلِمَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَإِذَا دَنَا مِنْهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ ذَنْباً فَإِذَا اغْتَسَلَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ مَا مَرَّ الْمَاءُ عَلَى شَعْرِهِ قَالَ قُلْتُ بِعَدَدِ الشَّعْرِ قَالَ نَعَمْ بِعَدَدِ الشَّعْرِ<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۳: ۳۰۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۶۳).

در روایت فوق آثاری برای متعه‌کننده و در روایتی دیگر برای متعه‌شونده بیان شده است: آمرزش گناهان پس از نزدیکی (M۵۰)، آمرزش گناهان هنگام غسل (M۴۸)، ثبت حسنه در قبال کلمات محبت‌آمیز در هنگام متعه (M۴۷)، آمرزش زنان متعه‌کننده در امت پیامبر اکرم (ص) (M۴۵). همچنین در مواردی روایات دلالت بر ترغیب و توصیه مؤمنان به متعه از سوی اهل بیت (ع) دارد. متعه، تکمیل‌کننده ایمان مومن دانسته شده است (M۵۶) که خود عامل ترغیب و تشویق متعه است. توصیه به مرد مسلمان برای متعه (M۱۷۸) حتی اگر در محل سکونت خود با همسرش باشد (M۲۵۸)، وجه دیگری برای ترغیب است. البته این روایت چنان‌که خواهد آمد در تعارض با روایتی است که مرد متاهل را از متعه نهی می‌کند.

## ۵-۲. مقوله احکام متعه

دومین مقوله در تحلیل محتوای روایات متعه، ناظر به احکام متعه است که اولاً از بسامد بالایی نسبت به دو مقوله دیگر برخوردار بوده و ثانیاً به بیان جزئیات بسیاری در رابطه با این حکم شرعی پرداخته است، لذا به طور کلی می‌توان گفت که این بخش از احادیث نیز به صورت غیرمستقیم تبیین‌کننده حلیت متعه هستند. منظور از احکام، مواردی مانند: مدت زمان، مهریه، وضعیت ارث و فرزند، چگونگی فسخ و ... می‌باشد که در یک طبقه‌بندی دیگر تعداد آن‌ها در ۱۵ عنوان دسته‌بندی شده است که در حقیقت ۱۵ موضوع از موضوعات اصلی را شامل می‌شود.

بالاترین بسامد موضوعات فرعی (۲۴ عبارت) مربوط به تعیین مدت زمان این عقد موقت است چنان‌که در روایتی بر دو ضابطه مدت و اجر به صورت انحصاری تأکید شده است: «لا

۱. در متن دیگری به جای کلمه «فلان» واژه «من انکرها» آمده است (کرکی، ۱۴۱۳ق، ۱۰).

۲. گفتم برای متعه‌ثوابی هست؟ فرمود: اگر برای تقرب به پروردگار متعال باشد و مخالفت با فلان شخص پس کلامی نگویید جز این‌که خداوند متعال بدان حسنه‌ای در نامه عملش بنویسد و چون با او نزدیکی کند خداوند تعالی گناهی از او بیامرزد، و چون غسل کند به تعداد هر موئی از بدنش که آب غسل بر آن بگذرد خداوند او را مورد عفو قرار دهد، عرض کردم به عدد هر مو؟ فرمود به عدد هر موی (ضعیف و مسند).



تَكُونُ مُتَعَةً إِلَّا بِأَمْرَيْنِ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ أَجْرٍ مُّسَمًّى»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۴؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۶۶). در روایات متعه، مجموعه شروط ذیل برای تعیین زمان متعه قید شده است:

به هر میزان که طرفین بخواهند (M۱۰۹)، تعیین زمان بر اساس توافق طرفین (M۹۶)، بلااشکال بودن به اندازه یک یا دو مباشرت و یا به اندازه یک یا دو روز (M۱۱۱)، نهی از تعیین زمان به مدت یک یا دو ساعت (M۱۱۰)، بلا اشکال بودن افزایش زمان پس از اتمام آن (M۱۱۲-M۱۱۰-M۲۶-M۳۶-M۱۱۹-M۱۱-M۲۰۱)، به شرط آن که مرد پس از افزایش زمان مبلغ را بیان کند (M۱۱۵). در حقیقت جواز افزایش زمان منوط به افزایش اجرت است (M۲۶۷). اگر مرد در اثناء متعه بخواهد زمان افزایش دهد باید باقی مانده مدت را ببخشد و عقد جدید جاری کند (M۲۶۷). در هر صورت بعد از اتمام زمان متعه، رابطه فسخ می شود و نیازی به طلاق نیست (M۲۸۱-M۲۶۲-M۱۱۴-M۳۱۷-M۳۳۴-M۳۰۵).

نکته دیگری که در مسئله تعیین زمان در کلام اهل بیت (ع) بیان شده، توجه به این مطلب است که ایام حیض در زمان تعیین شده برای متعه محاسبه نمی شود چرا که این ایام متعلق به خود زن است (M۲۷۶-M۲۶۵-M۱۰۴). بدین معنا که اگر زنی به مدت یک ماه متعه شود، ایام حیض او (۷ تا ۱۰ روز) را شامل نمی شود و مهریه در مقابل آن تقسیط نمی شود و زن می تواند در این ایام خودش را حتی نسبت به تمتعات غیر مباشرتی از مرد محروم کند.

مسئله مهم دیگری که در احکام و ضوابط متعه بسیار بر آن تأکید شده، مسئله اجر یا مهریه است. این امر در روایات مختلف که شامل مضامین متعدد هستند در قالب ۲۳ عبارت تبیین شده است. پرداخت اجر یا مهریه در متعه، پس از بهره مندی و مباشرت، یک نوع واجب مالی شناخته شده است: چنان که امام صادق (ع) در روایتی می فرماید: «قُلْتُ لَهُ أَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَ أَدْخُلُ بِهَا وَ لَا أُعْطِيهَا شَيْئًا قَالَ نَعَمْ يَكُونُ دَيْنًا لَهَا عَلَيْكَ»<sup>۲</sup> اگر مرد، اجر زن را پس از مباشرت نپردازد مدیون است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۵۷).

در بحث اجر نیز شروط و احکام ذیل بیان شده است:

پرداخت اجر از احکام قطعی متعه است (M۲۱۰-M۳۱۳-M۳۰۴-M۲۵۱-M۲۵۷-M۸۷-M۶۱-M۷۲-M۲۶۱) و میزان اجر بر اساس توافق طرفین است (M۹۵-M۱۹۸-M۲۰۰)، بلااشکال بودن افزایش آن حتی پس از انجام متعه به صورت توافقی

۱. متعه نمی باشد مگر به دو امر: زمان معین و اجر معین (صحیح و مسند).

۲. زنی را متعه کردم و با او نزدیکی کردم و چیزی به او ندادم. امام فرمود: دین او بر گردن توست (صحیح و مسند).

(M۲۸۳-M۳۲۱-M۲۷-M۳۷-M۱۲۰-M۲۰۲)، بلاشکال بودن بخشش آن (M۳)-  
 (M۵-M۹-M۲۴)، تعیین حداقل اجر به صورت یک درهم (M۱۵)، مشتی طعام  
 (M۹۰-M۹۴)، سویق (M۹۲)، گندم (M۱۲۲)، خرما (M۹۳) و چوب مسواک (M۹۱) و  
 در نهایت نهی از تعیین اجر بیش از مهر السنه (M۱۹۲). موارد فوق تنها بخشی از ضوابط  
 تعیین شده برای اجر متعه در کلام اهل بیت (ع) است.

باید گفت در میان احکام ۱۵ گانه متعه، مسئله تعیین زمان و اجر دارای اهمیت  
 بسیاری است. در ادامه به مابقی احکام تعیین شده برای متعه اشاره می‌شود:

۱- متعه زنان اهل کتاب اعم از یهودی، نصرانی و مجوسی: «سَأَلْتُهُ عَنِ نِكَاحِ الْيَهُودِيَّةِ  
 وَ النَّصْرَانِيَّةِ فَقَالَ «لَا بَأْسَ بِهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ كَانَ تَحْتَ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ يَهُودِيَّةً عَلَى  
 عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>۲</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۹۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۶۵۱).  
 البته در روایت این امر مشروط کرده‌اند. یک روایت مشروط به منع زن از خوردن شراب  
 و گوشت خوک (M۱۶۲) و روایت دیگر مشروط به این‌که آن زن شناختی از دین و مذهب  
 خود نداشته باشد (M۱۵۸-M۱۵۶) چرا که در روایات، دلیل کراهت ازدواج با یهودی و  
 نصرانی، خوف از یهودی یا نصرانی شدن اولاد است (M۱۶۰).

۲- وجوب نگه داشتن عده در متعه<sup>۳</sup>: «إِنْ كَانَتْ تَحِيضُ فَحَيْضَةٌ وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ  
 فَشَهْرٌ وَنِصْفٌ»<sup>۴</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۱۶۵) در این خصوص نیز جزئیات بسیاری  
 در احادیث بیان شده است، مانند این‌که گفته شده اگر زن حائض می‌شود، عده او  
 یک حیض (M۱۱۷)، اگر حائض نمی‌شود، یک ماه و نیم (M۱۱۶) و به صورت کلی  
 مدت عده دو حیض (M۳۱۳) یا ۴۵ شبانه روز (M۲۶۹-M۲۸۰-M۲۷۰-M۳۲۰-  
 M۲۲۴-M۲۶۸) تعیین شده است.<sup>۵</sup>

۳- متعه دختر باکره.<sup>۶</sup> البته روایات این بخش را در چهار دسته می‌توان گنجانند:<sup>۷</sup>

۱. این حکم در قالب ۱۴ عبارت ضمن روایات مختلف تبیین شده است.
۲. از نکاح زن یهودی و نصرانی پرسیدم فرمود: اشکالی ندارد مگر نمی‌دانی همسر طلحه بن عبیدالله  
 در زمان نبی (ع) یهودی بود (ضعیف و مسند).
۳. این حکم در قالب ۱۳ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.
۴. در ازدواج موقت اگر زن عادت ماهیانه دارد عده‌اش، یک عادت ماهیانه است و اگر عادت ماهیانه  
 ندارد، یک ماه و نیم (صحیح و مسند).
۵. نظر مشهور در مورد مدت عده در متعه، دو بار پاک شدن از حیض است (ر.ک: عاملی، ۱۳۹۶ش، ۹:  
 ۳۳۷). باید گفت مدت ۴۵ شبانه روز یا یک ماه و نیم با دو حیض مطابقت دارد نه یک حیض.
۶. این حکم در قالب ۱۰ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.
۷. در جمع این روایات، برخی متعه باکره بدون اذن پدر را حمل بر کراهت کرده‌اند (مجلسی،  
 محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ۸: ۴۸۱).

جواز متعه باکره مشروط به اذن پدر «الْعَدْرَاءُ الَّتِي لَهَا أَبٌ لَا تَزَوَّجُ مُتْعَةً إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهَا» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۹۵) (M۱۴۱-M۱۴۲-M۱۴۳) ۲- جواز متعه باکره مشروط به عدم آسیب به بکارت (M۱۳۹-M۱۴۴-M۱۴۷) ۳- جواز متعه باکره مشروط به مخفیانه بودن (M۱۴۷) ۴- جواز متعه باکره بدون هیچ قید و شرطی (M۱۴۵).

۴- حضور شاهد<sup>۴</sup>. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَجْزِي فِي الْمُتْعَةِ مِنَ الشُّهُودِ فَقَالَ رَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ يَشْهَدُهُمَا قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَجِدْ وَاحِدًا قَالَ إِنَّهُ لَا يَعُورُهُمْ قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَشْفَقَ أَنْ يَعْلَمَ بِهِمْ أَحَدٌ أَيْجِزِيهِمْ رَجُلٌ وَاحِدٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ كَانَ الْمُسْلِمُونَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَتَزَوَّجُونَ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ قَالَ لَا»<sup>۳</sup>. (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۷: ۱۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۸۷) البته در برخی روایات نیز بیان شده که متعه همانند ازدواج دائم نیازمند شاهد است (M۲۲۶) و علت آن را آرامش خاطر زن از این که مرتکب گناه نشده است، بیان کرده‌اند (M۲۱۶). از همین رو برخی روایات به حضور چهار شاهد برای متعه اشاره می‌کنند تا امکان اتهام زنا به طرفین متعه، ممکن نباشد (M۲۹۷).

۵- توصیه به متعه زنان مؤمن و با ایمان<sup>۵</sup>، چنان که در برخی روایات توصیه شده از ایمان آن‌ها سؤال شود (M۳۳) تا در صورت اطمینان از عقیفه بودن، دامن خود را از بی‌عفتی حفظ کنند «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهَا يَعْنِي الْمُتْعَةَ فَقَالَ لِي حَلَالٌ فَلَا تَزَوَّجُ إِلَّا عَقِيفَةً إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ فَلَا تَصْنَعُ فَرْجَكَ حَيْثُ لَا تَأْمَنُ عَلَى دِرْهِمِكَ»<sup>۶</sup>. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۱۸۶).

۶- بلااشکال بودن تعداد متعه<sup>۶</sup>. اکثر قریب به اتفاق روایات در خصوص تعداد متعه محدودیتی قائل نیستند (M۶۴) و با به کار بردن الفاظ نامحدود «قُلْتُ مَا يَجِلُّ مِنْ الْمُتْعَةِ قَالَ كَمْ شِئْتَ»<sup>۷</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۳؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۸۸) (M۶۷)-

۱. دختر باکره‌ای که پدر دارد متعه نشود مگر به اذن پدرش.
۲. این حکم در قالب ۹ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.
۳. ابا عبدالله (ع) گفتم چند شاهد در متعه کافیست؟ فرمود: یک مرد و دو زن بر آن دو شهادت دهند. گفتم اگر کسی را نیافتند؟ فرمود: به چیزی احتیاج نیست. گفتم اگر ترسیدند کسی بداند، یک نفر شاهد کافی است؟ فرمود: بله. گفتم فدایت شوم، مسلمانان در زمان رسول الله (ع) بدون شاهد ازدواج می‌کردند؟ فرمود: نه (صحیح و مسند).
۴. این حکم در قالب ۹ عبارت در روایات مختلف بیان شده است.
۵. از ابا عبدالله (ع) در مورد متعه پرسیدم فرمود: حلال است، ازدواج نکن مگر با عقیفه. همانا خداوند می‌فرماید: کسانی که دامن خود را از آلودگی حفظ می‌کنند، پس نطفه خود را جایی قرار نده که در مورد درهم خود به او اطمینان نمی‌کنی (ضعیف و مسند).
۶. این حکم در قالب ۹ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.
۷. گفتم چقدر از متعه حلال است؟ گفت: هر چه خواستی (صحیح و مسند).

M۶۹-۱۱۸)، هزار تا (M۲۴۳-۲۷۴) و اجاره‌ای (M۲۴۴-۳۱۹-M۳۳۶-۱۳۶) عدم محدودیت را بیان می‌کنند. هم‌چنین با بیان این‌که تعداد متعه محدود به هفتاد مورد نیست (M۶۳) و یا این‌که متعه در شمار چهار ازدواج دائم محسوب نمی‌شود (M۳۳۳ - M۳۱۶ - M۶۵-۸۸)، به نوعی دیگر به همین عدم محدودیت اشاره دارند. اما در چهار روایت، متعه در شمار چهار ازدواج دائم محاسبه شده است که ظاهراً با سایر روایات در تعارض است (M۶۶-۶۸-M۷۰-۱۳۸).<sup>۱</sup>

۷- بلااشکال بودن تعیین شروط مختلف در متعه<sup>۲</sup>. یکی دیگر از احکام بیان شده برای متعه آن است که طرفین می‌توانند شروط مختلفی را برای متعه تعیین کنند. به عنوان مثال: عدم مباشرت (M۳۱۴)، عدم فرزندآوری (M۲۱۲)، عدم حق میت (M۲۱۱)، مطالبه وفاداری (M۲۰۳).

۸- تعیین تکلیف فرزند حاصل از متعه<sup>۳</sup>. اگرچه در روایات متعه، شرط عدم فرزندآوری پذیرفته شده، ولیکن در صورتی که طرفین به این کار تمایل داشته باشند، دین اسلام امکان فرزندآوری در متعه را جایز دانسته و فرزند را متعلق به مرد می‌داند (M۳۰۲-M۷۴-۱۹۴) و از این‌که مردی بخواهد فرزند حاصل از متعه را انکار کند، نهی نموده است (M۱۸۲-۱۹۶) در عین حال به زن توصیه نموده در صورت بارداری، مرد را مطلع نماید (M۲۰۷).

۹- توارث بین طرفین<sup>۴</sup>. در روایات متعه اصل بر این دانسته شده که طرفین از همدیگر ارث نمی‌برند: «لَا مِيرَاثَ بَيْنَهُمَا فِي الْمَتْعَةِ»<sup>۵</sup> (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۴۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۴: ۴۵۰). اما در سه حالت ثبوت ارث در متعه جایز است: ۱<sup>۶</sup>. به شرط تعیین حق توارث بعد از نکاح (M۱۸۸) ۲. فوت یکی از طرفین قبل از مباشرت با وجود تعیین مهر (M۱۹۰) ۳. عدم تعیین زمان در متعه که آن را تبدیل به نکاح دائم می‌کند که خود عامل ثبوت ارث است (M۲۰۵).

۱۰- تصدیق ادعای زن در خصوص تأهل<sup>۷</sup>. مردی که قصد متعه زنی را دارد، باید ادعای او در خصوص تأهل یا عدم تاهلش را بپذیرد (M۱۰-M۳۱۱) و حتی لازم نیست در

۱. این روایات حمل بر تقیه شده‌اند (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، ۴: ۴۸۴).

۲. این حکم در قالب ۸ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

۳. این حکم در قالب ۸ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

۴. این حکم در قالب ۷ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

۵. در متعه زن و مرد از یکدیگر ارث نمی‌برند (ضعیف و مسند).

۶. طبق قول مشهور و دیدگاه متأخرین، زن و مرد در متعه از یکدیگر ارث نمی‌برند و شرط توارث نیز باطل است (حلی، ۱۳۷۲ش، ۲۸۹).

۷. این حکم در قالب ۴ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

این خصوص تحقیق کند: «إِنِّي أَكُونُ فِي بَعْضِ الطَّرِيقَاتِ فَأَرَى الْمَرْأَةَ الْحَسَنَاءَ وَلَا آمَنُ أَنْ تَكُونَ ذَاتَ بَعْلِ أَوْ مِنَ الْعَوَاهِرِ قَالَ لَيْسَ هَذَا عَلَيْكَ إِنَّمَا عَلَيْكَ أَنْ تُصَدِّقَهَا فِي نَفْسِهَا.»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۵۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۵۲). البته در مواردی که فرد بر اساس شک و تردید خود در این مورد تحقیق کرده و متوجه شده که زن خلاف واقع را بیان کرده و متاهل بوده است، مورد سرزنش امام فرار گرفته است (M۳۱۰-M۳۱۱).

۱۱- عدم جواز متعه فاجره.<sup>۲</sup> در برخی روایات، متعه فاجره نهی و تحریم شده است: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ الْفَاجِرَةِ هَلْ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَمَتَّعَ مِنْهَا يَوْمًا أَوْ أَكْثَرَ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ مَشْهُورَةً بِالزَّنَا فَلَا يَتَمَتَّعُ مِنْهَا وَلَا يَنْكِحُهَا»<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۴۸). همچنین از متعه زنان غیر عقیفه (M۱۷۸)، مشهور به فسق و فجور (M۱۳۲-M۱۷۳)، کواشف<sup>۴</sup> (M۲۳۷)، دواعی (M۲۳۸)<sup>۵</sup> و بغایا (M۲۳۹)<sup>۶</sup>، زناکار (M۱۸۵) و مشرک (M۱۸۶) نهی شده است. البته در یک روایت نیز این امر بلاشکال دانسته شده (M۱۷۵-M۱۷۶) که باید گفت این روایت در تعارض با آیات قرآن است که می‌فرماید: «الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَّهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک؛ و زنان پاک از آن مردان پاکند، و مردان پاک از آن زنان پاک؛ اینان از آنچه که [ناپاکان] به آنان نسبت می‌دهند مبرا هستند؛ و برای آنان آمرزش [الهی] و روزی پرازشی است (النور: ۲۶).

۱۲- تحریم متعه هم‌زمان دو خواهر.<sup>۷</sup> در این خصوص سه روایت آمده که نیازمند تأمل و دقت است:

۱. در یک روایت متعه هم‌زمان دو خواهر، مطلقاً حرام دانسته شده است: «سَأَلْتُهُ

۱. به امام صادق (ع) گفتم من در راه زن زیبایی می‌بینم و یقین ندارم که شوهر دارد یا از فواحش است؟ فرمود: تفتیش این مورد با تو نیست، تو باید هرچه زن در مورد خودش می‌گوید تصدیق کنی (ضعیف و مسند).

۲. این حکم در قالب ۴ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

۳. از ابوالحسن (ع) پرسیدم، آیا متعه زن زیبای فاجر یک روز یا بیشتر برای مرد جایز است؟ فرمود: اگر مشهور به زناست نه او را متعه کن و نه او را به نکاح خود در بیاور (صحیح و مسند).

۴. مردان باید از ازدواج با کواشف دوری کنند یعنی زنانی که بی‌پرده هستند و خانه‌هایشان معلوم است مردم نزد آن‌ها می‌روند.

۵. مردان باید از ازدواج با دواعی دوری کنند یعنی زنانی که مردان را به سوی خود می‌خوانند و به فساد شناخته شده‌اند.

۶. مردان باید از ازدواج با بغایا دوری کنند یعنی زنانی که مشهور به زنا هستند.

۷. این حکم در قالب ۳ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

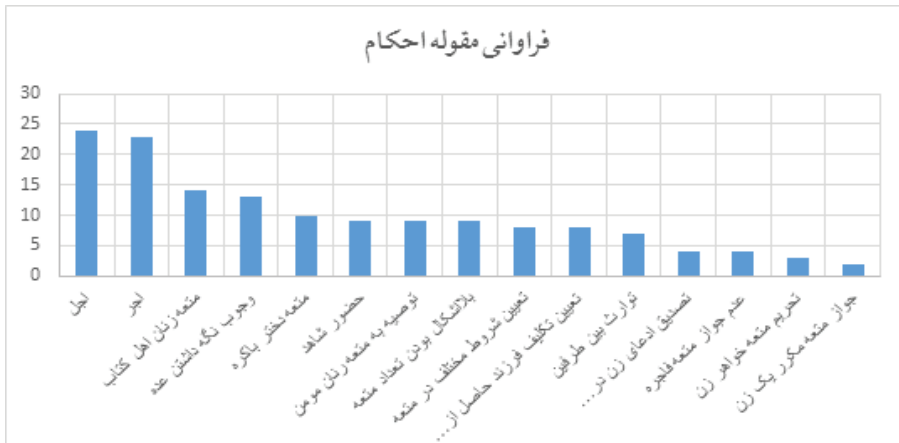
عَنِ الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ مُتْعَةً أَيْحِلُّ لَهَا أَنْ يَتَزَوَّجَ أُخْتَهَا مُتْعَةً قَالَ لَا»<sup>۱</sup>.

۲. در روایت دیگری متعه دو خواهر بلا اشکال دانسته شده: «لَا بَأْسَ بِالرَّجُلِ أَنْ يَتَمَتَّعَ أُخْتَيْنِ»<sup>۲</sup>.

۳. در روایت دیگری متعه دو خواهر، مشروط به اتمام عده یکی جایز دانسته شده است. از جمع این روایات می‌توان فهمید که منظور از جواز متعه دو خواهر در روایت دوم نیز به معنای تعاقب و متعه یکی پس از اتمام مدت دیگری بوده است.

۱۳- جواز متعه مکرر یک زن<sup>۳</sup>. در روایات متعه، متعه مکرر یک زن ولو پس از اتمام عده به نکاح دیگران درآمده باشد، جایز دانسته شده است: «فِي الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ مِنَ الْمَرْأَةِ الْمَرَّاتِ قَالَ لَا بَأْسَ يَتَمَتَّعُ مِنْهَا مَا شَاءَ»<sup>۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۷۰).

البته هر کدام از احکام و ضوابط بیان شده در این بخش، جزئیات تفصیلی بیشتری داشته و به صورت مستقل نیازمند بحث و بررسی جداگانه هستند، ولیکن از آن جا که هدف مؤلفان در این مقاله پژوهشی، فقط تحلیل محتوای کلی روایات متعه و مقوله‌بندی آن‌ها بوده است، لذا از پرداختن به جزئیات اجتناب شده و تا حد مقدور تلاش گردیده تا مطالب به صورت مختصر و کلی بیان شوند. در پایان می‌توان نمودار سنجش فراوانی هر کدام از احکام و ضوابط بیان شده برای متعه را در مجموعه کلی روایات مشاهده نمود:



۱. از ایشان در مورد مردی پرسیدم که زنی دارد، آیا برای او حلال است خواهر آن زن را متعه کند؟ فرمود: نه (صحیح و مسند).

۲. اشکالی ندارد که مردی دو خواهر را متعه کند (ضعیف و مسند).

۳. این حکم در قالب ۲ عبارت در روایات مختلف تبیین شده است.

۴. از امام صادق (ع) درباره کسی که چندین مرتبه با یک زن ازدواج موقت می‌نماید پرسش کردم، فرمود: ایرادی ندارد. هر مقداری که می‌خواهد با این زن ازدواج موقت نماید (ضعیف و مرسل).

### ۵-۳. مقوله تحریم متعه

در این مقوله که کمترین درصد را شامل می‌شود، روایات ذیل دو موضوع اصلی تحریم (یک روایت) و نهی از متعه (پنج روایت) آمده است.

همان‌گونه که پیش از این در بخش تحلیل محتوای کمی روایات متعه گذشت، بخش اندکی از روایات متعه به مسئله تحریم این حکم و نهی از اصرار بر آن تأکید دارند. به عنوان مثال امام صادق (ع) در روایتی به دو نفر از اصحاب خویش فرمودند تا زمانی که در مدینه هستید، متعه بر شما حرام است، زیرا زیاد بر من وارد می‌شود و می‌ترسم مواخذه شوید و بگویند این‌ها اصحاب جعفر هستند: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي وَ لِسَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَدْ حَرَّضْتُ عَلَيْكُمُ الْمُتْعَةَ مِنْ قَبْلِي مَا دُمْتُمَا فِي الْمَدِينَةِ لَا تَكُمَا تُكْثِرَانِ الدُّخُولَ عَلَيَّ وَ أَخَافُ أَنْ تُؤْخَذَا فَيَقَالَ هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ جَعْفَرٍ»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۳: ۳۰۹).

همچنین در روایتی مردان متأهل از متعه نهی شده‌اند: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (ع) عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ وَ مَا أَنْتَ وَ ذَلِكَ فَقَدْ أَغْنَاكَ اللَّهُ عَنْهَا»<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲۱: ۳۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۱: ۲۲) و در روایتی دیگر اصرار زیاد بر آن، عامل تخریب چهره اسلام دانسته شده است: «كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) إِلَى بَعْضِ مَوَالِيهِ لَا تَلِحُوا عَلَيَّ الْمُتْعَةَ إِنَّمَا عَلَيْكُمْ إِقَامَةُ السُّنَّةِ فَلَا تَشْتَعِلُوا بِهَا عَنْ فُرُشِكُمْ وَ حَرَائِرِكُمْ فَيَكْفُرْنَ وَ يَتَّبِرِينَ وَ يَدْعِينَ عَلَيَّ الْأَمْرَ بِذَلِكَ وَ يَلْعَنُونَا»<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۲۲ق، ۵: ۴۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۱: ۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۳: ۳۱۰).

در مقام تحلیل روایات فوق باید گفت که به نظر می‌رسد این چند روایت به موضوع تحریم مطلق متعه اشاره ندارند، چرا که اولاً تعداد اقل این روایات در تعارض با تعداد اکثر روایات دالّ بر حلیت متعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم است و ثانیاً از فحوای این چند روایت، مسئله نهی از اصرار زیاد بر متعه و مشهور شدن به این امر

۱. امام صادق (ع) به من و سلیمان بن خالد گفت: متعه را بر شما دو نفر حرام کردم تا زمانی که در مدینه هستید چرا که زیاد بر من وارد می‌شود پس می‌ترسم مواخذه شوید پس می‌گویند این‌ها اصحاب جعفرند (موثق و مسند).

۲. از ابوالحسن موسی (ع) در مورد متعه پرسیدم گفت تو را با متعه چه کار؟ خداوند تو را از آن بی‌نیاز کرده است (صحیح و مسند).

۳. امام کاظم (ع) به بعضی از دوستان خود این‌گونه مرقوم فرمود: بر ازدواج موقت اصرار نکنید. بلکه فقط بر پایی سنت بر شما لازم است. پس با ازدواج موقت از زنان دائم و آزاده خود باز ننمایید که آنان کافر می‌شوند و اظهار برائت می‌کنند و به امرکننده این امر نفرین می‌نمایند و ما را لعن می‌کنند (ضعیف و مسند).

در عرف جامعه برداشت می‌شود و این‌که امام (ع) اصرار به متعه را به ویژه برای مردان متأهل از لحاظ شئون اجتماعی نمی‌پسندند، چرا که چنین افرادی مورد سرزنش افکار عمومی قرار می‌گرفتند. هم‌چنین این امر سبب رنجش و ناراضایتی همسران دائم آن‌ها بوده است تا جایی که از دین، گریزان شده و طبق فرمایش امام معصوم (ع) نسبت به ایشان اهانت روا می‌داشتند و در نتیجه چهره‌ای ناپسند از تشیع به نمایش می‌گذاشتند. بدیهی است نتیجه مبادرت مردان متأهل به متعه، در هیچ دوره‌ای از این قاعده مستثنی نبوده و نیست.

واقعیت آن است که متعه در دین اسلام، به‌عنوان راه‌حلی برای برون رفت از شرایط اضطراری در نظر گرفته شده است و کسانی که قصد سوء استفاده از آن برای تضعیف بنیان خانواده یا اشاعه فحشا در جامعه را داشته باشند، به شدت مورد نکوهش قرار می‌گیرند. اما تنها یک روایت در طرق شیعی خیر از تحریم می‌دهد و آن روایت تحریم متعه در روز جنگ خبیر است: «حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ خَيْبَرَ لُحُومَ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ وَنِكَاحِ الْمُتَّعَةِ»<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۵۱؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۴۲). تهذیبین قدیمی‌ترین منبع موجود در مصادر شیعی است که این روایت را ذکر کرده است و ذیل آن، شیخ طوسی احتمال تقیه داده است چرا که آن را موافق با رأی اهل سنت می‌داند.

## ۶. فضای صدور روایات

چنان‌که در جداول تحلیل محتوا و نمودارها نشان داده شد، اکثر روایات متعه به نقل از صادقین (ع) است. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دلایل این مسئله، وجود فضای باز سیاسی در دوره انتقال حاکمیت بنی امیه به بنی عباس و مشغولی حاکمان به امور سیاسی و جنگ و رها کردن امور جامعه بوده است. در این دوره مجالی فراهم آمد تا صادقین (ع) با تشکیل جلسات متعدد و پرورش چهار هزار شاگرد (ر.ک: مفید، ۱۳۷۳ش، ۲: ۱۸۰)، زمینه نشر احکام فقهی را فراهم آورند. احکام متعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و در نتیجه، روایات متعه عموماً از این دو امام بزرگوار نقل شده است.

البته در مورد این‌که تا قبل از این زمان با توجه به نهی خلیفه دوم، رواج متعه در بین شیعیان چگونه بوده است، اطلاعی وجود ندارد، به ویژه این‌که انجام متعه امری علنی

۱. رسول الله (ص) در روز خبیر، گوشت الاغ اهلی و نکاح متعه را حرام کرد (این روایت براساس تقیه و رویه مخالفان شیعه وارد شده است و هر کسی که با روایات آشنا باشد می‌داند که در مذهب ائمه (ع) متعه مباح است، پس نیازی به اطناب در این مسئله نیست) (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۷۱) (ضعیف و مسند).



نیست تا مردم به صورت عمومی آن را اعلام کنند. در مورد ائمه معصومین (ع) نیز اخباری دال بر انجام متعه از سوی ایشان وجود ندارد و تنها دو مورد با سندی ضعیف مربوط به نبی اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نقل شده است (حراملی، ۱۴۱۴ق، ۲۱: ۱۰). در دوره صادقین (ع) بر اثر انتقال فرهنگ و تمدن ایران، روم و یونان به جامعه اسلامی پرسش‌های جدیدی برای مسلمانان به وجود آمد که این امر در کنار آزادی نسبی ناشی از تزلزل بنی‌امیه، جامعه را به سمت پرسش‌گری برده بود. اما پس از استقرار حکومت بنی‌عباس، سخت‌گیری‌ها بر ائمه (ع) افزایش یافت و لذا راه تقیه را در پیش گرفتند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۳۱۷).

همچنین در خصوص روایاتی که از صادقین (ع) حول محور متعه وجود دارد، در کنار روایات مربوط به حلیت و احکام که روایات صحیح‌السندی موبد آنهاست، با در نظر گرفتن صحت سند، خبری از ذکر ثواب و تشویق و ترغیب نسبت به متعه نیست و همچون سایر مسائل فقهی، روایات در مقام تبیین احکام آن هستند. باید گفت در بین روایات نهی، روایات صحیح‌السندی وجود دارند که خارج از حوزه تبیین احکام متعه، نگرش اجتماعی امام معصوم (ع) را به نمایش می‌گذارد که از آن جمله روایات نهی مرد متأهل از متعه است. همچنین نهی اصحاب امام از متعه تا زمانی که نزد ایشان رفت و آمد می‌کنند که این امر نشان می‌دهد که اگر بنای امام صادق (ع) بر تشویق متعه بود، صحابی ایشان با انجام متعه و شهرت نسبت به آن، می‌توانستند بهترین مبلغان متعه برای ترویج آن نزد شیعیان باشند، اما روایت نهی اصحاب از متعه، فضا را به گونه‌ای دیگر تصویر می‌کند.

در نهایت باید گفت که شیعیان حتی پس از نهی متعه توسط خلیفه دوم، همان‌طور که در سایر احکام مذهب خود از امام معصوم (ع) کسب تکلیف می‌کردند، طبیعتاً در این خصوص نیز همین‌گونه عمل کرده‌اند تا این که در زمان صادقین (ع) زمینه برای ثبت و نشر این احکام فراهم آمد و بر اساس آن تا امروز پیروان شیعه دوازده امامی تنها کسانی هستند که به حلیت متعه معتقدند و بر اساس احکام آن عمل می‌کنند.

## ۷. نتیجه‌گیری

۱- در این تحقیق به منظور بررسی ابعاد مختلف موضوع متعه در اسلام، تلاش شد تا مجموعه کامل این روایات با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و یک تصویر کلی از این موضوع در ذهن خوانندگان و محققان گرامی ترسیم

شود. به همین منظور با بررسی کامل تعداد ۳۵ کتاب حدیثی شیعه شامل کتب اربعه و مستدرکات آن تا قرن اخیر، تعداد ۲۵۹ روایت استخراج گردید که پس از بررسی اولیه و حذف مکررات، تعداد ۱۳۷ روایت به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شد.

۲- روایات متعه فقط از شش معصوم (ع) صادر شده که در این میان روایات امام صادق (ع) با فراوانی ۵۵٪ و روایات امام باقر (ع) با فراوانی ۲۰٪ بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است که به نظر می‌رسد مهمترین علت آن بهره‌مندی این دو امام بزرگوار از فضای باز سیاسی - اجتماعی در حد فاصل تغییر حکومت بنی امیه به بنی عباس باشد که توانستند احکام بسیاری از مسائل شرعی را به تفصیل بیان کرده و یک نهضت عظیم در ترویج معارف مذهب شیعه ایجاد کنند.

۳- حدود ۶۶٪ روایات متعه، پاسخ به سؤالات شیعیان بوده است که به نظر می‌رسد این امر می‌تواند شاهدی بر رواج متعه در صدر اسلام و مبادرت به آن از سوی کسانی باشد که برای آگاهی از احکام و ضوابط آن، نزد امام معصوم (ع) رفته و کسب تکلیف می‌کردند چرا که رویارویی آراء فقهی فریقین توجه آن‌ها را به مسائل مورد اختلاف جلب کرده بود.

۴- تحلیل محتوای روایات متعه در جدول مربوطه آن نشان داد که از این روایات، حدود ۳۴۱ نکته و مضمون برداشت می‌شود که در یک دسته‌بندی کلی مجموعه آن‌ها را می‌توان در قالب ۲۰ موضوع اصلی بیان کرد. این موضوعات عبارتند از: حلیت متعه، اجل، اجر، متعه اهل کتاب، عده در متعه، متعه باکره، حضور شاهد، متعه مؤمنه، تعداد متعه، شروط در متعه، فرزند در متعه، ارث در متعه، تصدیق ادعای زن، متعه فاجره، تحریم متعه، تحریم متعه دو خواهر، ترغیب به متعه، ثواب متعه، تکرار متعه، نهی از اصرار بر متعه. این موضوعات به عنوان مضامین کلی یا اصلی مجموعه روایات متعه در منابع حدیثی قابل ذکر هستند.

۵- تحلیل کیفی مجموع ۲۰ موضوع اصلی مطرح در روایات متعه نشان می‌دهد که این موضوعات را نیز می‌توان در ذیل سه مقوله کلی «حلیت متعه»، «احکام متعه» و «تحریم متعه» طبقه‌بندی نمود. از آن‌جا که ۱۸٪ روایت به صورت مستقیم به مسئله حلیت متعه و ۷۹٪ دیگر با اشاره به احکام متعه، به صورت غیر مستقیم به حلیت آن اشاره دارند، لذا در نهایت می‌توان چنین بیان کرد که ۹۷٪ روایات متعه در مجامع حدیثی شیعه به موضوع حلیت آن اشاره داشته و تنها ۳٪ مسئله تحریم و نهی از متعه را بیان کرده‌اند.

۶- تحلیل محتوای کیفی مجموعہ روایات متعہ ذیل سہ مقولہ کلی حلیت، احکام و تحریم نشان داد کہ روایات تحریم متعہ را می‌بایست «نہی از اصرار زیاد بر متعہ» بہ دلیل تخریب چہرہ اسلام و سوء استفادہ از این حکم شرعی کہ برای شرایط اضطراری وضع شدہ، تأویل نمود.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی شیبہ، ابوبکر، المصنف، قم، دارالفکر، ۱۴۲۹ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، لبنان، دارالکتب علمیہ، ۱۴۲۴ق.
- ابن ماجہ، محمد بن یزید، السنن، لبنان، دارالجیل، ۱۴۱۸ق.
- ازہری، محمد بن احمد، معجم تہذیب اللغہ، بیروت، دارالعربی، ۱۴۲۱ق.
- افضل آبادی، محسن، ازدواج موقت از دیدگاہ قرآن و سنت، قم، برگ فردوس، ۱۳۹۰ش.
- باردن، لورنس، تحلیل محتوای ترجمہ: ملیحہ و محمد یمنی دوزی، تہران، دانشگاه شہید بہشتی، ۱۳۷۵ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح، قاہرہ، وزارت الاوقاف، ۱۴۱۰ق.
- جوادی علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار الساقی، ۱۳۸۰ق.
- جوہری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۶۸ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ہدایۃ الأئمۃ الی احکام الأئمۃ علیہم السلام، مشهد، آستانہ الرضویہ المقدسہ مجمع البحوث الاسلامیہ، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، وسائل الشیعۃ، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، قم، موسسہ امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفہانی، حسین بن علی، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضرہ الفقیہ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۹۰ق.
- \_\_\_\_\_، تہذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ق.
- عترت دوست، محمد، اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امام علی (ع) و معاویہ، تہران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر مفاتیح الغیب، تہران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفہان، کتابخانہ امام امیرالمومنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ریاض، بنیاد الرسالہ، ۱۴۲۳ق.
- کرکی، علی بن حسین، خلاصۃ الإیجاز فی المتعہ، قم، کنگرہ جہانی ہزارہ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- کریندورف، کلوس، مبانی روش شناسی تحلیل محتوای ترجمہ ہوشنگ نایینی، تہران، نی، ۱۳۷۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تہران، درالحدیث، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعۃ لدرر الأخبار الأئمۃ الأطہار (ع)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- \_\_\_\_\_، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- \_\_\_\_\_، ملاذ الأخیار فی فہم تہذیب الأخبار، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.

مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، قم، موسسه فرهنگي اسلامي  
كوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.

مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۱ق.

مفيد، محمد بن محمد، المقنعه، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.

\_\_\_\_\_، رسالة المتعة، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ۱۳۷۳ش.

نسائي، احمد بن علي، سنن النسائي، رياض، بيت الافكار الدولية، ۱۴۱۰ق.

نیشابوری، حاکم، معرفه علوم حديث، بيروت، دارالکتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۹۷ق.